

تعارض کار و مادری: تجربه گذار به مادری زنان شاغل در شهر تهران

رسول صادقی، دانشیار، گروه جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران، ایران*

زهرا شهابی، کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران، ایران

چکیده

مادرشدن همیشه یکی از نقش‌های اصلی و کلیدی زنان در جامعه ایران بوده است؛ اما در چند دهه اخیر با توجه به تغییرات نگرشی و افزایش گزینه‌های پیشرفت زنان از جمله تحصیل و اشتغال، مادرشدن دیگر نقش اصلی و اجباری زنان شناخته نمی‌شود و آنان می‌توانند موقعیت‌های جایگزین را انتخاب کنند. هدف از این مقاله واکاوی معنا و ارزش مادری و تعارض کار و مادری بین زنان شاغل تحصیل‌کرده دانشگاهی است. پژوهش کیفی و داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق با ۳۰ مادر ۲۰ تا ۴۰ ساله شاغل با تحصیلات دانشگاهی ساکن در شهر تهران گردآوری و به شیوه تحلیل محتوای متعارف تحلیل شده است. نتایج مطالعه در پنج مقوله اصلی شامل حس منحصر به فرد مادری، مادری شیوه پذیرش اجتماعی و رهایی از ننگ نازایی، تغییر معنا و ارزش مادری، تصویر متناقض زن شاغل به‌منزله مادر ایده‌آل و تعارض کار و مادری ارائه و درباره آنها بحث شده است. در نتیجه‌گیری از مقاله می‌توان گفت معنا و مفهوم مادری در جامعه ایران با توجه به موقعیت‌های جدید اجتماعی زنان بازتعریف شده است. در این فرایند زنان شاغل به دلیل وجود نداشتن و اجرانشدن برنامه‌های دوستدار خانواده با هزینه‌های فرزندآوری و تضادهای نقشی شغلی و مادری روبه‌رویند.

واژه‌های کلیدی: اشتغال زنان، ارزش مادری، هزینه فرصت، تعارض کار و مادری، سیاست‌های دوستدار خانواده

مقدمه و بیان مسأله

گذار به مادری تجربه جدید و منحصربه‌فردی برای زنان است. این تجربه در بستر گذار باروری با تغییراتی همراه است. تحولات باروری در ایران در چند دهه اخیر بسیار محسوس و چشمگیر بوده است. میزان باروری کل از هفت فرزند در دهه ۱۳۶۰ به دو فرزند در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است (Abbasi-Shavazi et al., 2009; عباسی‌شوازی و همکاران، ۱۳۹۶). این کاهش سریع با تغییرات چشمگیر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در وضعیت زنان در خانواده و جامعه همراه بوده است. تحولات گسترده در نقش‌ها و موقعیت زنان موجب شده است حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و فضاهای عمومی افزایش یابد و آنان با افزایش استقلال در جنبه‌های مختلف زندگی، موقعیت و پایگاه بالاتری نسبت به دهه‌های قبل داشته باشند. این امر زمینه تغییرات محسوس در کنش‌های مادری و فرزندآوری زنان را فراهم کرده است؛ زیرا مادری به‌طور تفکیک‌ناپذیری با نقش‌های زنان در خانواده و جامعه مرتبط است.

پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، بر مادرشدن به منزله نقش اصلی زنان تأکید بیشتری شد. همزمان دسترسی به تحصیل برای همه طبقات اجتماعی نیز فراهم شد. به‌گونه‌ای که خانواده‌های روستایی نیز ترغیب شدند فرزندان خود را به مدرسه بفرستند. نسبت جنسی دانشجویان دانشگاه‌ها به نفع دختران تغییر کرد و دختران سال‌های بیشتری را در مدارس و دانشگاه‌ها سپری کردند و برای بسیاری از آنها ازدواج و فرزندآوری با تأخیر همراه شد؛ بنابراین، تحصیلات به بخش مهمی از زندگی زنان تبدیل شده است؛ زیرا تحصیلات برای زنان راهی برای کسب احترام و منزلت اجتماعی است (Abbasi-Shavazi et al., 2009).

روند افزایش تحصیلات و مشارکت زنان در نیروی کار، موقعیت زنان را بهبود می‌بخشد و فرصت‌های زنان را برای کنترل منابع مالی و اقتصادی و تصمیم‌گیری درباره نتایج

جمعیت‌شناختی مانند باروری افزایش می‌دهد (Hindin, 2000: 255)؛ از این رو، تولید مثل عامل کلیدی در زندگی زنان است و باروری به‌طور جداناپذیری با نقش زنان در جامعه و اجتماع مرتبط است؛ بنابراین، تغییر موقعیت و جایگاه زنان در جامعه می‌تواند بر رفتار باروری‌شان تأثیر بگذارد (عباسی‌شوازی و علی‌مندگاری، ۱۳۸۹). در این زمینه، اگرچه مادرشدن همیشه یکی از اصلی‌ترین نقش‌های زنانه بوده است، همان‌طور که ابوت و والاس بیان می‌کنند «در زندگی زنان مرکزیتی که برای به‌دنیا آوردن و تربیت بچه مفروض است، جنبه مهمی از زندگی آنان را تشکیل می‌دهد» (ابوت و والاس، ۱۳۷۶: ۱۸۱)؛ اما به نظر می‌رسد این دیدگاه در حال تغییر است و با توجه به فرصت‌ها و نقش‌هایی که به‌طور موازی برای زنان دسترسی‌پذیر است، مادرشدن دیگر به منزله نقش اصلی همه زنان شناخته نمی‌شود و زنان می‌توانند موفقیت را در عرصه‌های دیگری نظیر اشتغال هم تجربه کنند. زندگی زنان شاغل با تولد اولین فرزند به شدت دگرگون می‌شود. مادران شاغل با دو نقش روبه‌رویند که گاهی اوقات این نقش‌ها در تضاد با هم قرار دارند: نقش شاغلی و نقش مادری. افزایش مشارکت زنان در عرصه‌های عمومی، علاوه بر اینکه منشأ بهبود کیفیت زندگی و پیشرفت اجتماعی زنان شده است، با توجه به نقش‌های جنسیتی و سنتی از پیش تعریف‌شده، نقش‌های تازه‌ای را بر نقش‌های قبلی آنها افزوده است؛ به عبارت دیگر، اشتغال به منزله نقشی اضافه‌شده، تعهدات و مسئولیت‌های بیشتری برای زنان ایجاد می‌کند. زنان شاغل که در بیشتر موارد به‌طور همزمان سه نقش همسری، مادری و شغلی را دارند، با انتظارات نقشی متفاوتی روبه‌رو هستند که باید قادر به پاسخگویی به همه آنها باشند. این احتمال وجود دارد که آنها با محور قراردادن الزامات یک نقش، برآورده کردن انتظارات نقش‌های دیگر را در حاشیه قرار دهند یا به ایفای انتظارات ایجابی اکتفا کنند؛ اما آنچه مسلم است در جامعه ایران سطح و حجم وظایف و انتظارات ناشی از نقش‌های

وظایف زنانگی مهم است و چنین فداکاری شخصی، ارزش اجتماعی زنان را بالا می‌برد. اگرچه امروزه تعداد زنان بدون فرزند افزایش یافته است، هنوز مادری به منزله مرکز و محور شناخت زنان بالغ شناخته می‌شود. زنانی که فرزندی ندارند در بیشتر مواقع به منزله منحرف از فرهنگ مسلط مادری شناخته می‌شوند. این گفتمان، اصطلاح‌رهایی از فرزند^۳ را برای زنانی معرفی می‌کند که گزینه اشتغال را جایگزینی برای مادری در نظر می‌گیرند (Clark, 2012: 25).

اندرسون و همکاران^۴ (2002) به این نکته اشاره می‌کنند که زنان با تحصیلات عالی، فرصت‌های اقتصادی بیشتر، منابع جایگزین بیشتر و عزت نفس بیشتری نسبت به زنان با تحصیلات پایین‌تر دارند. دیدگاه انتخاب عقلانی نشان می‌دهد سطح تحصیلات با اهمیت مادری نسبت معکوس دارد. شواهد تجربی نشان می‌دهند جریمه دستمزدی مادران با سطح تحصیلات افزایش می‌یابد و تحصیلات بالاتر با ارزش کمتر برای فرزندآوری و احتمال بیشتر بی‌فرزندگی همراه است.

ایچو^۵ (2006) در پژوهشی در آفریقای جنوبی به این نتیجه رسید که مادری به منزله یک هویت پرارزش شناخته می‌شود. در آفریقا، مادری تنها یک حس زیستی نیست؛ بلکه شامل مجموعه‌ای از رفتارها، انتظارات و مسئولیت‌هایی است که از لحاظ فرهنگی تعریف می‌شوند.

ماهر و ساگرس^۶ (2007) تأثیر گفتمان غالب مادری را بر تصمیم زنان درباره داشتن فرزند بررسی کردند. بر طبق یافته‌های آنها، بیشتر زنان بی‌فرزند حاضر در مطالعه می‌ترسیدند که شاید مادری اولویت‌های دیگر آنها را کنترل، زندگی‌شان را مختل و هویت آنها را از آنها دور کند.

گرسون^۷ (2009) در مطالعه خود به این نتیجه رسید که بین زنان جوان، مفهوم مشارکت در نیروی کار و نقش شاغل

خانوادگی از سطح و حجم مسئولیت‌های ناشی از نقش‌های شغلی بیشتر است (احمدی‌فراز و همکاران، ۱۳۹۳)؛ از این رو، همان طور که وود و نیوتن^۱ (2006) استدلال می‌کنند مادرشدن هزینه‌های بیشتری را به زنانی تحمیل می‌کند که شاغل‌اند یا به شغل یا حرفه خود بیشتر متعهدند.

هدف از این مقاله کندوکاو معنا و ارزش مادری بین زنان شاغل و نحوه رویارویی آنها با تعارض کار و مادری است. در این زمینه، دو پرسش مطرح می‌شود: (۱) مفهوم و جایگاه مادری برای زنان شاغل دچار چه تغییراتی شده است؟ (۲) زنان شاغل برای ترکیب کار و مادری با چه مسائل و مشکلاتی روبه‌رو هستند؟

پیشینه پژوهش

نظریه‌های متعددی در تبیین گذار به مادری و تغییرات آن مطرح شده است که مهم‌ترین آنها شامل نظریه انتخاب عقلانی، نظریه برابری جنسیتی و نظریه گذار دوم جمعیتی است. «نظریه انتخاب عقلانی» معتقد است فرزندآوری برای مادران تحصیل‌کرده و شاغل، هزینه فرصت بیشتری ایجاد می‌کند. در نتیجه، زنان برای اجتناب از این امر، فرزندآوری خود را محدود می‌کنند (Becker, 1960; Friedman et al., 1994). «نظریه برابری جنسیتی» نیز معتقد است زنانی که قصد مشارکت در بازار کار را دارند نیازمند این هستند که از سوی خانواده خود حمایت شوند و گرنه به دلیل نقش‌های چندگانه در محیط کار و خانه دچار مشکل می‌شوند و در نهایت نقش‌های خانوادگی خود را محدود می‌کنند (McDonald, 1997). «نظریه گذار دوم جمعیتی» نیز بیان می‌دارد که با توجه به تغییرات ایده‌ای و فرهنگی، جایگاه زنان متحول و مفهوم مادری تغییر کرده است (Van de Kaa, 2002).

مک‌ماهن^۲ (1995) بیان می‌کند که مادرشدن برای انجام

³ Childfree

⁴ Anderson et al.

⁵ Ichou

⁶ Maher & Saugeres

⁷ Gerson

¹ Wood & Newton

² McMahan

بین‌نسلی، از بین رفتن روش‌های سنتی به اشتراک‌گذاری دانش و نبود تعامل بین مادر و فرزند، همگی دلایلی است که سبب برجسته‌شدن معانی فرهنگی و اجتماعی مادری در روسیهٔ مدرن می‌شود؛ بنابراین، با ازدست‌رفتن معنا و ارزش مادری، زن به منزلهٔ یک شخص فعال در زمینهٔ کار اجتماعی شناخته می‌شود.

نتایج پژوهش کیفی احمدی‌فراز و همکاران (۱۳۹۳) دربارهٔ تجارب مادری زنان شاغل بیان‌کنندهٔ هفت تم اصلی شامل بارداری متفاوت، مراقبان جایگزین، تداخل نقش، کشش نقش، حمایت، سازگاری تدریجی و فرسایش بود. براساس نتایج این مطالعه، قبول نقش‌های متعدد همسری، مادری و شغلی در زنان شاغل سبب به‌وجود آمدن انتظارات نقشی گوناگون و اجبار در پاسخگویی به این انتظارات و نیازهای نقشی در خانواده و جامعه شده است؛ اما از آنجا که نقش مادری یکی از مهم‌ترین نقش‌های زنان به شمار می‌رود، مسلماً این موضوع خواسته یا ناخواسته می‌تواند بر ایفای نقش مادری زنان تأثیر بگذارد؛ البته همان‌طور که یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند ایفای این نقش مهم در مادران شاغل با تحمل سختی‌های فراوانی همراه است و فرایندی کاملاً متفاوت با زنان غیرشاغل دارد.

اسحاقی و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعهٔ چالش‌های فرزندآوری زنان شاغل استدلال می‌کنند که زنان شاغل با چالش‌های درون‌شغلی و برون‌شغلی متعددی در زمینهٔ فرزندآوری روبه‌رو هستند که سبب افزایش تضاد بین خانواده و کار می‌شود. به‌دلیل کاهش حمایت‌های خانوادگی از زوجین جوان دربارهٔ نگهداری از فرزندان، زوجین به درپیش‌گرفتن راهبردهای تأخیر در فرزندآوری و کاهش تعداد فرزندان سوق داده می‌شوند.

حیدری و دهقانی (۱۳۹۵) در مطالعهٔ کیفی پدیدهٔ تعارض خانواده - کار و چگونگی مدیریت آن بین زنان معلم شهر دلوار نشان دادند تجربهٔ زیستهٔ این زنان دربارهٔ زمینه‌های

و نان‌آور به‌منزلهٔ جنبه‌ای از یک مادر خوب بودن دیده می‌شود. این امکان وجود دارد که جاذبه‌های معنوی مادرشدن تا زمانی که مادرشدن واقعی آغاز شود، وجود داشته باشد.

کلارک^۱ (2012) در مطالعهٔ خود نشان داد مادری همچنان به‌منزلهٔ یک موقعیت ارجمند توسط بیشتر زنان در ایالات متحدهٔ آمریکا ستایش می‌شود. با این حال تعداد زنانی که هرگز مادری را تجربه نکرده‌اند در حال افزایش است. پژوهشگران بر این باورند که ایدئولوژی‌های فرهنگی مادری می‌تواند بر تصمیم مادرشدن تأثیر بگذارد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند اقلیت زنان بدون فرزند، مادری را با ارزش می‌دانند و معانی مدنظرشان را از طریق ارتباطشان با اشکال مادری قدرتمند و همچنین تجارب مراقبت از خانواده و روابط خویشاوندی تنظیم می‌کنند. شواهد موجود مبتنی بر تلاش در حفظ تعادل بین تعهدات خانوادگی و کاری مشارکت‌کنندگان، بر اولویت مادرشدن آنها تأثیر می‌گذارد؛ اما ارزش آنها برای نقش مادری را کاهش نمی‌دهد.

براساس مطالعهٔ مک‌کویلان و همکاران^۲ (2015) بیشتر زنان آمریکایی ارزش زیادی برای مادری قائل‌اند و اگر شرایطی نظیر روابط، تحصیلات تکمیلی و منابع اقتصادی کافی و مناسب باشد، تمایل به داشتن فرزند دارند. با این حال، معنا و ارزش مادری در زیرگروه‌های مختلف نژادی-قومی در ایالات متحده متفاوت است.

مطالعهٔ واسیاگینا و کالیمولین^۳ (2015) وضعیت باروری در روسیهٔ مدرن را اسفناک نشان می‌دهد. شرایط جمعیت‌شناختی مدرن، ابهام ارزشی برخی پدیده‌ها مانند مسائل اجتماعی و رحم جایگزین عواملی‌اند که سبب بحران ایدئولوژیک مادری شده‌اند. بسیاری از مشکلات تنها به‌دلیل موقعیت اقتصادی و اجتماعی دشوار به وجود نیامده‌اند؛ بلکه نتیجهٔ تصمیم زنان در اجتناب از مادری‌اند. شکاف در روابط

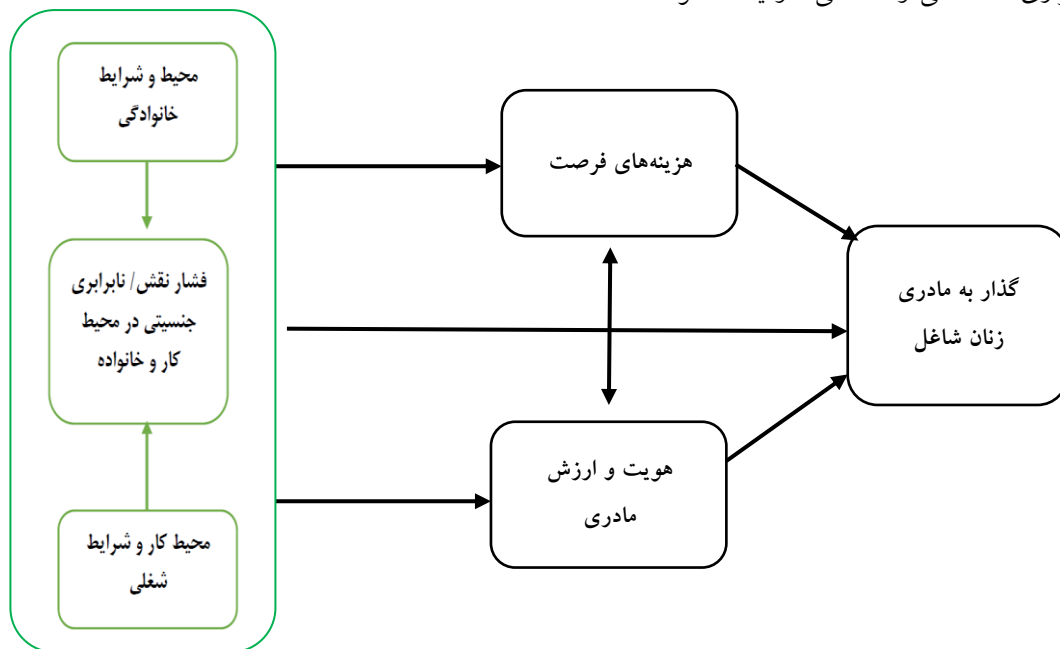
¹ Clark

² McQuillan et al.

³ Vasyagina & Kalimullin

«اجتماعی - تکنو - فردی محور بودن پدیده تعارض خانواده - کار» تحلیل و معرفی کرد. براساس نتایج این مطالعه، میزان حمایت اجتماعی خانوادگی در خفیف یا شدید شدن تعارض کار - خانواده برای زنان شاغل مهم و کلیدی است.

تشدید یا ترقیق کننده تعارض خانواده - کار و مدیریت فردی آن را می توان در پرتو سه مقوله محوری «حمایت اجتماعی (نوعی و خاص)»، «کنترل ناپذیری فرزندان در فضای رسانه ای جدید» و « تاکتیک های مدیریت فردی (مدیریت ابزاری، شناختی و عاطفی)» و یک مقوله هسته



شکل ۱- چارچوب مفهومی پژوهش

همچنین در انتخاب نمونه تلاش شده است به حداکثر تنوع در مشارکت کنندگان مانند رده ها و بخش های مختلف شغلی توجه شود. شیوه گردآوری داده ها فن مصاحبه عمیق بود. به طور متوسط مدت زمان مصاحبه ها حدود یک ساعت طول کشید. در تحلیل داده ها، از روش تحلیل محتوای کیفی متعارف استفاده شد. در روش تحلیل کیفی متعارف، پژوهشگر بدون استفاده از پیشینه نظری کدها را کدگذاری و طبقه بندی می کند. در اینجا ابتدا مصاحبه های عمیق به شکل متن درآورده شدند و متن براساس واحد معنادار (نظیر پارگراف) به خلاصه های معنایی تبدیل شد؛ سپس کدگذاری اولیه انجام شد و به دنبال آن، کدگذاری های اولیه طبقه بندی و طبقات اصلی مشخص شدند.

روش پژوهش

روش استفاده شده در این مقاله، روش پژوهش کیفی است. جامعه آماری آن شامل مادران ۲۰ تا ۴۰ ساله شاغل با تحصیلات دانشگاهی و دارای یک فرزند در شهر تهران است. نحوه نمونه گیری مبتنی بر نمونه گیری هدفمند و نمونه گیری نظری بوده است. با توجه به مرسوم بودن تعداد نمونه بین ۲۰ تا ۳۰ نفر در مطالعات کیفی (Creswell, 1998; Mason, 2010) در این مطالعه تعداد مشارکت کنندگان ۳۰ نفر در نظر گرفته شد. شیوه نمونه گیری، گلوله برفی است؛ ابتدا یک نفر انتخاب شد که خصوصیات لازم را داشت؛ سپس هنگام مراجعه به اداره یا شرکت مدنظر، سایر افراد دارای ویژگی های مدنظر، توسط شخص اول و سپس نفرات بعدی معرفی شدند.

از خودگذشتگی فرد افزایش می‌یابد.

«وقتی آدم مادر می‌شه از خودش می‌گذره. مثلاً حاضره نخوابه. همون موقع هم من فوق‌لیسانس قبول شدم. بچه من یک‌ساله بود. توی ایامی بود که بچه من شیر می‌خورد. باید سر کار می‌اومدم، بعد کلاس می‌رفتم، بعد ایام امتحانات بود؛ یعنی در عین حال که این مشغله‌ها رو داشتم، بچه‌دار شدم؛ ولی اولویت اول من بچه‌ام بود. بچه طوری که آدم از خوابش می‌زنه، خواب دیگه براش مهم نیست، آدم حاضره خودش نخوره ولی بده به بچه. مادربودن برای این شیرینه که آدم از خودگذشتگی و صبور بودن رو تجربه می‌کنه (فاطمه، ۳۲ساله)».

در نتیجه از خودگذشتگی‌های مادر، مهر و محبت شدیدی بین مادر و فرزند شکل می‌گیرد که با مهر و محبت به هیچ فرد دیگری مقایسه‌کردنی نیست.

«یکی هست که برای آدم مهم‌تر از خودشه؛ یعنی حاضری همه فشارها رو تحمل کنی. یه عشق عجیبی که آدم به هیچکی نداره. با عشق به همسر و دیگران فرق داره. من معمولاً خیلی کم احساساتمو می‌گم ولی خیلی راحت به فرزندم ابراز احساسات می‌کنم (زینب، ۳۶ساله)».

مادری به دلیل حجم مسئولیت‌هایی که برای مادر و مهر و محبتی که بین مادر و فرزند ایجاد می‌کند، انگیزه‌های فرد را برای ادامه یک زندگی مفید افزایش می‌دهد. حس محبوب بودن برای فرزند و حس نیاز او به مادر، آرامش خاصی برای مادر به ارمغان می‌آورد. مادران با یک نگرانی دائمی درباره سلامت و آینده فرزند خود دست به گریبان‌اند و این احساسی است که هیچ‌کس به جز یک مادر آن را تجربه نمی‌کند.

مشارکت‌کنندگان در تعریف و معنای مادری، مفاهیمی نظیر اوج ایشار و گذشت، اوج صبر و آرامش، انسانی فوق‌العاده هدفمند و تلاشگر، تجربه عشق ناب به فرزند، حس نزدیکی به خدا و اختیار عمل درباره یک موجود دیگر را عنوان کردند.

مشارکت‌کنندگان در این مطالعه شامل ۳۰ مادر ۲۰ تا ۴۰ ساله شاغل با تحصیلات دانشگاهی ساکن شهر تهران بودند. میانگین سنی آنها ۳۲ سال بود. ۲ نفر از مشارکت‌کنندگان مدرک کاردانی، ۱۴ نفر مدرک کارشناسی، ۱۳ نفر مدرک کارشناسی‌ارشد و ۱ نفر مدرک دکتری داشتند. ۱۴ نفر از مصاحبه‌شوندگان متولد تهران و بقیه متولد سایر استان‌ها بودند. حداقل سابقه کاری پاسخگویان ۳ سال و حداکثر آن ۱۹ سال بود و افراد به‌طور متوسط ۹ سال سابقه کاری داشتند. حداقل درآمد ماهانه خانوار آنها یک میلیون تومان و بیشترین آن نه میلیون تومان و به‌طور متوسط ۳/۵ میلیون تومان بود. ۲۵ نفر از پاسخگویان شاغل تمام‌وقت و ۵ نفر شاغل پاره‌وقت بودند. وضعیت استخدامی ۱۲ نفر رسمی، ۳ نفر پیمانی، ۱۲ نفر قراردادی و ۳ نفر شرکتی بود.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در پنج مقوله اصلی زیر مطرح می‌شوند و در ادامه درباره آنها بحث می‌شود: حس منحصر به فرد مادری، مادری راهی برای پذیرش اجتماعی و رهایی از ننگ نازایی، تغییر معنا و ارزش مادری، تصویر متناقض زن شاغل به‌منزله مادر ایده‌آل، تعارض کار و مادری.

• حس منحصر به فرد مادری

تحلیل یافته‌ها نشان دادند بیشتر مصاحبه‌شوندگان (۲۹ نفر)، مادر شدن را تجربه شیرین دانسته‌اند و اذعان کرده‌اند که از مادر شدن خود رضایت دارند. تنها ۱ نفر مادر شدن را آن هم به دلیل شرایطی که در آن قرار داشت، شیرین نمی‌دانست. مشارکت‌کنندگان به تجارب مادری اشاره کردند که یک زن تا زمانی که مادر نشود آن را تجربه نمی‌کند: مادر شدن حجم مسئولیت‌های مادر را افزایش می‌دهد و او را مسئولیت‌پذیرتر (به‌ویژه در قبال نوزاد) می‌کند. زنان بعد از مادری با مشکلات و چالش‌های فراوانی روبه‌رو هستند که برطرف کردن آنها صبر بسیاری را می‌طلبد. ضمن اینکه مادری یعنی برتر دانستن فرزند بر خویشستن؛ در نتیجه این فرایند، صبر و

• مادری، شیوه پذیرش اجتماعی و رهایی از ننگ نازایی

فشار اجتماعی و فرهنگی برای مادرشدن، پذیرش اجتماعی فرد نزد اطرافیان بعد از مادرشدن و همچنین ترس از برچسب نازا و نابارور، زنان بررسی شده را به مادری ترغیب کرده است.

مشارکت‌کنندگان درباره روابط بین فردی خود با دیگران نیز تغییراتی را بعد از مادرشدن بیان می‌کردند که بیشتر از طرف اطرافیان پذیرفته می‌شدند. در این زمینه یکی از مشارکت‌کنندگان چنین بیان می‌کند:

«من بعد از بچه‌دارشدن احساس می‌کردم عضوی از خانواده همسر هستم. تا قبل از اون احساس غریبی داشتم. اینجوری خودی شدم. احساس کردم با خانواده همسر نقطه مشترک دارم. احساس کردم شوهرم به زندگی بیشتر وابسته شده، حوصله خونه رو بیشتر داره، بیشتر خونه می‌مونه. اینها بخشی از منه، اینکه همسرم به خونه و زندگی وابسته تر می‌شه طرز نگاهش به من عوض می‌شه، به آرامشی به من می‌ده (سارا، ۲۹ساله)».

حدود نیمی از مشارکت‌کنندگان (۱۳ نفر) اذعان داشتند که مادرشدن برایشان خیلی مهم نبوده و به آن فکر نمی‌کردند و تنها به دلایلی چون اجتناب از ننگ نازابودن، فشار اطرافیان و عشق به همسر اقدام به فرزندآوری کرده‌اند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه چنین می‌گوید:

«من خیلی به بچه‌دارشدن فکر نمی‌کردم؛ اما چون عاشقانه ازدواج کردم و دوست داشتم از کسی که دوستش دارم بچه داشته باشم و زندگی‌ام گرم بشه مادر شدم. خیلی رؤیای مادرشدن نداشتم (نغمه، ۳۱ساله)».

همچنین مادرشدن راهی برای رهایی از ننگ نازابودن است. ۲۶ نفر از مشارکت‌کنندگان معتقدند جامعه قضاوت سختگیرانه‌ای درباره بی‌فرزندگی دارد و به فردی که تصمیم می‌گیرد فرزند نداشته باشد برچسب عقیم‌بودن می‌زند. تعداد ۴ نفر نیز بیان کردند که در حال حاضر این جامعه

«اینکه تو متکلف به آدم زنده دیگه‌ای در این دنیا هستی، مسئولیت یک موجودی که خیلی بی‌پناهه، ضعیفه رو کامل دادند دست تو، این به نظرم خیلی تجربه شگفت‌انگیزیه. واقعاً به وجهی از خالق‌بودن و رب‌بودن رو که آدم‌ها تو دنیا دنبالش هستند رو برای آدم تأمین می‌کنه و فکر می‌کنم همه آدم‌ها روی زمین همه هدفشون اینه که به وجه رب‌بودن رو در خودشون نشون بدن. اگر کار هنری یا علمی می‌کنیم می‌خوایم این رو نشون بدیم. مادربودن این رو راحت بهمون نشون می‌ده. برای همین خیلی تجربه هیجان‌انگیزیه (زهرا، ۳۲ساله)».

یکی از مشارکت‌کنندگان درباره تجربه مادری آن را

مصدق معجزه الهی می‌داند:

«مادرشدن خوبه. نعمته. اینکه احساس کنی به موجودی رو داری به ثمر می‌رسونی خوبه. بالاتر از اینها مادربودن به تجربه‌ای داره که تا کسی مادر نشه نمی‌فهمه. از اینکه می‌بینی از هیچی به موجودی به وجود میاد که می‌شه همه چی، به اوج معجزه خدا پی می‌بری (طیبه، ۲۹ساله)».

همچنین مشارکت‌کنندگان بیان کردند که پس از مادرشدن، احساس می‌کنند ابعاد جدیدی به هویتشان اضافه شده است. در بیان این ابعاد به تکامل در جنبه‌های مختلف روحی، روانی، معنوی و...، صبورتر، متعهدتر، مسئولیت‌پذیرتر، مهربان‌تر و فداکارتر شدن اشاره می‌کردند.

«مادرشدن باعث می‌شه روح به تکامل برسه. تا مادر نشی روح به تکامل نمی‌رسه. توی به سطحی می‌مونی؛ چون تو باید به عشق بی‌قیدوشرط و بی‌انتظار رو تجربه کنی. به خاطر همین به تکاملی که مدنظرت هست می‌رسی (افسانه، ۳۳ساله)».

همچنین افراد بررسی شده، مادری را با ویژگی‌هایی نظیر صبوربودن، تربیت خوب فرزند، وقت کافی صرف‌کردن برای فرزند و برطرف‌کردن همه نیازهای او، بهترین دوست فرزندبودن، تعادل برقرارکردن بین خود، فرزند و همسر تعریف می‌کردند.

زمان کمتر برای رسیدگی و نگهداری از فرزندان، داشتن فرزند کمتر، صبر و حوصله کمتر، متکی نبودن به تجربه دیگران و به‌روزبودن، امکانات بیشتر، خودخواه و فردگرا بودن، سخت‌گیری بیشتر در تربیت فرزندان، تحصیلات و آگاهی بیشتر، مسئولیت بیشتر، مشغله و دغدغه‌مندی از ویژگی‌های مادر امروزی است.

برای نمونه یکی از مصاحبه‌شوندگان که مادری ۳۲ ساله و دانشجوی دکتری است دربارهٔ مادران امروزی چنین می‌گوید:

«مادرهای امروز مادر نیستند. بچه شونو می‌برن می‌ذارن مهد. ما الان نه مادریم، نه همسریم، نه شاغلم، نمی‌دونم یه چیز عجیبیم. شاید شاغل بودن برای یه مادر نکتهٔ مثبتی نباشه. تو اگر می‌خوای مادر باشی باید برای بچه ات وقت، انرژی و حوصله داشته باشی. این سه تا سر کار مصرف می‌شه. هیچ‌کدوم از اینا رو نداری. این سه تا عاملو نداشته باشی نمی‌تونی مادر خوبی باشی (مهناز، ۳۲ ساله)».

علاوه بر این، از دیدگاه مشارکت‌کنندگان (۱۸ نفر) ارزش مادری در طول زمان کمتر و سایر نقش‌های اجتماعی انتخاب شده است. برای مثال، دربارهٔ تغییر ارزش مادری یکی از مصاحبه‌شوندگان بر این باور است:

«به نظرم ارزش مادری کمتر شده. الان در زمانی هستیم که اگر مادری احساس کنه نمی‌تونه زندگی کنه فرزند و زندگی‌ش رو رها می‌کنه و می‌ره دنبال زندگی‌اش؛ ولی فکر نکنم قدیم این اتفاق می‌افتاد. به نظرم کم بودن فرزندان نشان‌دهندهٔ کم شدن ارزش مادری است. فکر می‌کنم خودخواهی آدم‌ها در طول زمان بیشتر شده (مرضیه، ۲۷ ساله)».

در مقابل ۱۲ نفر از مشارکت‌کنندگان بیان کردند که ارزش مادری تغییری نکرده است و حتی بیشتر هم شده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان کرد:

«ارزش مادری تغییری نکرده، هر زمانی ارزش خاص خودش رو داره. مادرای قدیم می‌گفتن مادر باید از همه چیزش بگذره؛ ولی مادرهای امروز زیر بار این حرف نمی‌رن، فکر کنم این درست‌تره (شیرین،

نیست که فرد را در فشار قرار می‌دهد؛ بلکه بستگان درجهٔ یک هستند که از فرد توقع دارند حاصل ازدواجش فرزند باشد.

«اینکه اطرافیان فکر نکنن تو نقصی داری و نمی‌تونی بچه بیاری. وقتی تو بچه داری کسی فکر نمی‌کنه شاید نازا باشی، به‌خصوص خانواده‌های سنتی مثل خانوادهٔ همسر من همچین فکری زیاد می‌کنن (مهناز، ۳۲ ساله)».

بنابراین، بیشتر افراد به این نکته اشاره کردند که پیروی از هنجار اجتماعی «زن خوب یک مادر خوب»، رهایی از ننگ نازایی و اجتناب از فشارهای اطرافیان سبب می‌شود زنان به مادر شدن ترغیب شوند؛ چون در غیر این صورت با برجسب نازا بودن روبه‌رو خواهند شد.

• تغییر معنا و ارزش مادری برای زنان شاغل

امروزه مفهوم مادری با مفهوم مادری در زمان گذشته فرق کرده است. زنان در گذشته بعد از مادر شدن به‌طور کامل نقش مادری را داشته‌اند. آنان به دلیل مسئولیت اجتماعی و شغلی کمتر، مشغله و دغدغهٔ ذهنی کمتر و زمان بیشتر برای نگهداری و رسیدگی به فرزندان داشتند؛ بنابراین، ویژگی‌های خاصی نظیر داشتن فرزندان بیشتر، وابستگی به تجربهٔ اطرافیان، امکانات کمتر و فعالیت فیزیکی بیشتر، تساهل بیشتر در تربیت فرزندان، محبت، دلسوزی و توجه بیشتر به فرزندان، صبر و تحمل بیشتر، خیلی جلدی و مستبد بودن و آگاهی کمتر را داشتند.

دربارهٔ مادری در گذشته و تغییرات آن یکی از مصاحبه‌شوندگان معتقد است:

«مادرهای امروز به نظرم کم‌تحملن، اصلاً صبور نیستن. خیلی فردگرا هستند. مادرهای ما (مادران گذشته) خیلی صبورتر بودن. همه چیز رو برای بچه‌شون می‌داشتن. چیزی برای خودشون نمی‌خواستن. برای همین بود که ۴-۳ تا بچه می‌آوردن؛ ولی الان می‌گن یکی هم زیاده (رؤیا، ۳۴ ساله)».

۳۳ساله)».

مشارکت‌کننده دیگری در این زمینه چنین بیان داشت:

«مادرشدن همون ارج و قرب رو داره حتی بیشترم شده؛ چون قبلاً وظیفه زن بوده الان به نوعی لطف زن هست که برای شوهرش بچه میاره. بهش اهمیت بیشتری داده می‌شه. حالا یه نفر بچه‌دار می‌شه همه ذوق می‌کنن ولی قبلاً طبیعی بود. کسی که ازدواج می‌کرد باید بچه‌دار می‌شد. دنیای جدید الزامات خاص خودش رو داره. آدم بچه‌دار نشه چیزهای دیگه‌ای هم هست که یه جور خودش رو مشغول کنه. قدیما بچه می‌آوردن که سرگرم بشن. الان آدم نمی‌تونه به نیت سرگرمی بچه بیاره و به لحاظ عاطفی و با عشق فرزند را به دنیا میاره (مینا، ۲۸ساله)».

از این رو، مادران امروز نسبت به مادران گذشته امکانات رفاهی بیشتری دارند و نیازی نیست به اندازه زنان قدیم از جسمشان کار بکشند؛ اما به دلیل تحصیلات و آگاهی بیشتر گزینه‌های بیشتری برای زندگی‌شان پیش رو دارند. در نتیجه مثل گذشته فکر نمی‌کنند که باید همه زندگی‌شان در خانه‌داری و فرزندآوری خلاصه شود؛ بلکه معتقدند باید به تعالی استعدادها و توانایی‌های درونی خود نیز اهمیت دهند. ضمن اینکه به دلیل حجم بسیار بیشتر مشکلات اقتصادی و اجتماعی ناگزیرند پایه‌های مردان برای تأمین معاش زندگی تلاش کنند و دیگر تنها زن خانه‌دار نباشند که بتواند تمام طول روز خود را صرف رسیدگی به خانواده‌اش کند. در عین حال به دلیل هماهنگ نبودن محیط کاری با وظایف مادری و همسری، زیر فشارها و استرس‌های شدید نیز قرار دارند و زمانی که به خانه می‌رسند خسته و بی‌حوصله از یک روز طولانی کاری‌اند. در نتیجه زمان و محبت کمتری صرف فرزندانشان می‌کنند.

مادران امروز برای تربیت فرزندانشان خود بیش از همه چیز به اطلاعات روز تکیه می‌کنند و استفاده از تجربیات گذشتگان را کمتر مفید می‌دانند. در مقام مقایسه، مادران گذشته روش‌های

تربیتی خود را سینه‌به‌سینه از مادران و مادرزبانان خود می‌آموختند؛ اما مادران امروز با استفاده از منابع اطلاعاتی روش‌های تربیتی را برای فرزندانشان خود برمی‌گزینند که در آن مادران را به دوستی هرچه بیشتر با فرزند سوق می‌دهد. در حالی که در گذشته به دلیل تعدد فرزندانشان چه بسا تربیت فرزندانشان کوچک‌تر بر گردن فرزند بزرگ خانواده می‌افتاد و والدین ارتباط چندانی با فرزندانشان خود برقرار نمی‌کردند. مادران امروزی، مادران تعدد کمتری فرزندانشانند. با این حال از نظر عاطفی و احساسی، مادرانی از جنس مادران گذشته‌اند؛ یعنی این مادران نیز به فرزندانشان خود عشق می‌ورزند و از تمام وجود خود برای رشد و سعادت آنها مایه می‌گذارند؛ ولی به دلیل تغییر نگاه به نقش زن در جامعه و مشکلات اقتصادی موجود، ناگزیرند نقش یک شاغل را علاوه بر نقش مادری بر عهده بگیرند؛ نقشی که به نوبه خود یک شغل تمام‌وقت است و نیازمند توان و زمان بسیار است. در نتیجه زیر فشار نقش و استرس‌های بیشتری قرار دارند.

• تصویر متناقض زن شاغل به منزله مادر ایده‌آل

تحلیل داده‌ها نشان داد در گذشته به دلیل نگاهی که جامعه نسبت به نقش مادر داشت - یعنی همان تصویر کلیشه‌ای سلطان غم مادر - باید صبر و تحمل بسیاری داشت و فرزندش را خوب تربیت می‌کرد. همه وقت و توان خود را صرف فرزندانش می‌کرد تا به منزله مادر ایده‌آلی شناخته شود. مشارکت‌کنندگان علاوه بر این ویژگی‌ها که به نوعی تصویر ایده‌آل از مادر از گذشته تا حال بوده است، ویژگی‌های دیگری را مختص به مادران امروزی می‌دانستند؛ ویژگی‌هایی مانند بهترین دوست فرزند بودن، کمک خرج خانواده بودن، تعادل برقرار کردن بین فرزند، کار، همسر و خود، مادری که به شکوفاکردن توانمندی‌های خود نیز توجه می‌کند؛ از نظر آنها مادر گذشته مادری بود با فاصله و مرز مشخص از فرزند خود که باید مورد احترام و تقدیر او قرار می‌گرفت و اصلاً قرار نبود دوست فرزند خود باشد.

در گذشته مرد نان‌آور خانواده بود؛ بنابراین، اگر مادر در

نبودن، دلیلی بر ایده‌آل بودن یا نبودن مادر نیست؛ بلکه بستگی به طرز رفتار مادر با فرزند دارد. چه بسا مادرهایی که شاغل‌اند؛ ولی نسبت به مادران خانه‌دار زمان و توجه بیشتری صرف فرزندان خود می‌کنند.

«زن شاغل می‌تونه به مادر ایده‌آل خیلی نزدیک باشه. بعضی وقتا هم می‌تونه خیلی دور باشه. بستگی به خود شخص داره که چه معیارهایی داشته باشه. اینکه چه چیزایی رو توی ذهنش تعریف کرده باشه (مونا، ۳۲ساله)».

• تعارض کار و مادری

زنان شاغل با توجه به داشتن نقش‌های چندگانه مادری و کاری یا دانشجویی، به‌طور عمده با پدیده‌ای با عنوان تعارض کار و مادری و فشار نقش روبه‌رو هستند. این وضعیت سبب شده است با مسائل و چالش‌های متعددی در زندگی خانوادگی و کاری خود روبه‌رو شوند.

نداشتن توانایی و نبودن شرایط برای ترکیب کار و بچه در زندگی مادران شاغل موجب شده است در محیط کار، به‌لحاظ ذهنی آسوده‌خاطر نباشند و به‌طور دائم در فکر فرزند خود باشند. برای نمونه یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید:

«من خیلی احساس عذاب وجدان داشتم. وقتی مهد کودک می‌سپردمش یا پیش مامانم بود می‌گفتم اون‌طور که باید، برایش وقت نمی‌ذارم. احساس عذاب وجدان باعث می‌شد پسر ۴ساله‌ام الان خیلی بهم وابسته باشه؛ چون احساس می‌کنم وقتی باهامه باید برایش وقت بیشتری بذارم (فاطمه، ۳۲ساله)».

برخی مشارکت‌کنندگان، فشار نقشی را ناشی از خود اشتغال نمی‌دانند؛ بلکه بیشتر ناشی از شرایط شغلی به‌ویژه زمان طولانی ساعات کار می‌دانند؛ برای مثال، الهه ۳۴ساله در این زمینه می‌گوید:

«من بیشتر با ساعت کاری‌ام مشکل دارم. دوست دارم زودتر برم خونه؛ چون وسواسی هم هستم خیلی خسته می‌شم؛ کار خونه، کار بیرون، بی‌خوابی‌ها، صبح زود بیدارشدن، سردرد، اینا اذیت‌کننده است».

از نظر بسیاری از مشارکت‌کنندگان آنچه آنها را در انجام

این زمینه فعالیتی انجام می‌داد در مسیر مشاغل خانوادگی بود؛ مثلاً کشاورزی، دامداری، قالی‌بافی و... که در محیطی نزدیک سایر اعضای خانواده به انجام می‌رسید. در نتیجه شغل مستقلی برای مادر محسوب نمی‌شد. مادر در گذشته نیازی نبود تعادلی بین فرزند، کار، همسر و خود برقرار کند؛ چون «خود» اولین گزینه‌ای بود که باید فراموش می‌شد و تمام وجود یک زن در همسر و فرزندانش خلاصه می‌شد و این مهم‌ترین تکامل و تعالی برای یک مادر محسوب می‌شد. زن جوانی خود را صرف رشد و تربیت فرزند خود می‌کرد و در دوران پیری انتظار داشت فرزندانش عصای دست او باشند و او را تیمار کنند؛ اما ویژگی‌های جدید نظیر ترکیب کار و خانواده انتظارات جدیدی‌اند که به‌منزله تصویر ایده‌آل یک مادر ذکر می‌شوند و این نشان‌دهنده تغییر نگاه جامعه نسبت به مادران امروز است.

نتایج نشان دادند حدود یک‌سوم مشارکت‌کنندگان معتقدند مادر شاغل نمی‌تواند مادر ایده‌آل باشد. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه می‌گوید:

«مادر شاغل از مادر ایده‌آل خیلی دوره. مادر شاغل خیلی بیچاره است. همه اون چیزایی که مادرای خونه‌دار با بچه‌شون تجربه می‌کنن ما نداریم. ما همه وقتمون توی اداره است، وقتی می‌ریم خونه، به شامی می‌پزیم و کارهای خونه رو انجام می‌دیم. نه به خودمون می‌رسیم نه به بچه‌مون (نسرین، ۳۳ساله)».

در مقابل سه نفر از مشارکت‌کنندگان مادر شاغل را مادر ایده‌آل می‌دانستند:

«من فکر می‌کنم اقتضای زمان الان اینه که مادرا شاغل باشن؛ چون اگه نباشن اون افسردگی بعد از زایمان تا چند سال می‌تونه ادامه پیدا کنه؛ چون اون مادری که چند سال تو اجتماع بوده الان با بچه‌ش، ممکنه مادر احساس ناتوانی کنه که نمی‌تونه تو اجتماع باشه. خیلی احساس بدی در مادر ایجاد می‌کنه، به نظر من مادر ایده‌آل یه مادر شاغله (مرضیه، ۲۷ساله)».

همچنین ۸ نفر از مشارکت‌کنندگان معتقدند شاغل بودن یا

برای زنان مطالعه شده اهمیت زیادی داشته است؛ ولی به طور عمده با یک فرزند این نیاز برطرف می شود. تجاربی که مشارکت کنندگان از مادری ارائه کردند نشان می دهند مادربودن برای آنان یک امر کاملاً عاطفی و پر از عشق و محبت است. ضمن اینکه مادرشدن برای آنها با افزوده شدن ابعاد جدیدی به شخصیتشان همراه است؛ البته برای برخی زنان شاغل، مادری از وضعیت اجبار برای زنان به انتخاب توسط زنان تبدیل شده است.

از نظر مشارکت کنندگان، امروزه دیگر جنبه های اقتصادی در ارزش و فواید فرزند مهم نیست؛ بلکه آنچه اهمیت اصلی دارد بعد عاطفی داشتن فرزند، رسیدن به تکامل در ابعاد مختلف و رفع برخی نیازهای اجتماعی از جمله طی کردن روند طبیعی زندگی، معنابخشی به ازدواج، بقای نسل، مبراشدن از ناباروری و وقت گذراندن در ایام پیری با فرزند و نوه است. مصاحبه شوندگان هرچند تصمیم مادرشدن را امری اختیاری می دانستند، زانی را که تصمیم می گیرند در زندگی فرزند می نداشته باشند، خودخواه می دانستند و معتقد بودند تصمیم اشتباهی می گیرند؛ چون مادربودن لذت های بسیاری دارد و یک تجربه بی پایان و بی بازگشت است و آنها با این تصمیم خود را از این لذت محروم می کنند. این امر نشان دهنده ریشه داربودن این تفکر بین آحاد جامعه و حتی زنان تحصیل کرده شاغل است که یک زن خوب حتماً مادر است و یک ازدواج موفق، ازدواجی است که ثمره آن فرزند باشد.

مشارکت کنندگان در این مطالعه، ویژگی هایی را برای مادران امروزی ذکر کردند که آنها را از مادران گذشته متمایز می کند و این امر به دلیل شاغل بودن مادران امروزی است. ویژگی هایی که امروزه یک مادر را ایده آل می کند لزوماً همان ویژگی هایی نیست که مادران گذشته را ایده آل می کرد و این نشان دهنده تغییر نگرش جامعه نسبت به مفهوم مادری است. حدود سه چهارم مشارکت کنندگان در این پژوهش معتقد بودند ارزش و مفهوم مادری در طول زمان دستخوش تغییر شده است و اینکه این ارزش افزایش یافته یا کاهش داشته

حجم زیاد مسئولیت هایشان یاری داده است تلاش بیشتر و صرف انرژی چندبرابری است که خود می تواند سبب فرتوت شدن هرچه زودتر این دسته از مادران شود.

علاوه بر موانعی که شرایط شغلی برای انجام وظایف مادری به همراه دارد، برخی مشارکت کنندگان در مقابل، به وجود فرزند و شرایط مادری برای مانعی در مسیر ازدست دادن شغل و پیشرفت های تحصیلی و شغلی (هزینه فرصت) اشاره کرده اند. برای نمونه یکی از مشارکت کنندگان تجربه خود را در ازدست دادن شغل به دلیل فرزنددارشدن چنین بیان می کند:

«اگه بخوام از تجربه خودم بگم من تا زمانی که مادر شدم تو رادیو هم کار می کردم. هفته دوم بعد از تولد فرزندم بود که باید تو رادیو حرف می زدم؛ ولی اصلاً آمادگیشو نداشتم و کار اونجا رو از دست دادم و تا الانم نتونستم بهش برگردم (مرضیه، ۲۷ ساله)».

یا مشارکت کننده دیگری، فرزند را مانع ارتقای تحصیلی و شغلی خود دانسته است و چنین می گوید:

«شاید اگه بچه نبود می تونستم مدرکم رو بگیرم و دکتری بخونم. می تونستم تبدیل وضعیت بشم از کارمندی به هیئت علمی؛ البته بیشتر از این جهت مانع بوده که نتونستم درسو ادامه بدم، البته با این یک سالی که گذشته و با دوره بارداریم می شه دو سال که از درس عقب افتادم (زهرا، ۲۸ ساله)».

نتیجه

برخلاف وجود مسائل و مشکلات مرتبط با فرزندآوری، از نظر مشارکت کنندگان در این پژوهش، مادری تجربه ای ارجمند با ویژگی های منحصر به فرد است که هیچ کس غیر از مادر نمی تواند آن را تجربه کند. این تجربه با ویژگی هایی نظیر تکامل روحی، افزایش مسئولیت پذیری و متکلف یک شخص بی دفاع بودن، از خودگذشتگی و افزایش صبر و تحمل، عشق و وابستگی شدید، افزایش امید به زندگی، حس آرامش، یک امتحان سخت و نگرانی مداوم همراه است؛ بنابراین، مادرشدن

امروزه، مادر خوب و ایده‌آل بودن به‌طور انکارناپذیری با مشارکت در بازار کار مرتبط است. همان‌طور که گرسون^۳ (2009) نیز در پژوهش خود نشان داد امروزه مادری به‌منزلهٔ مادر ایده‌آل شناخته می‌شود که علاوه بر وظایف خانه‌داری و مادری، هم برای رشد و تعالی استعدادهای شخصی و اجتماعی خویش و هم برای کمک در تأمین معاش خانواده، در عرصه‌های شغلی نیز نقش‌آفرینی کند. به‌علاوه، مادری برای زنان شاغل بر تصور از خود و هویتشان به شدت تأثیر می‌گذارد و هویت جدیدی به همراه دارد. همان‌طور که اسمیت^۴ (2007) در مطالعهٔ خود نشان داد ابعاد هویتی زنان در طول گذار به مادری تغییر می‌کند. مؤلفهٔ کلیدی این تغییر، درک زنان از نقش‌های اجتماعی‌شان است. همچنین، زنان در بستر گذار به مادری از دنیای عمومی کار و شغل وارد دنیای خصوصی خانه، بچه و خانواده می‌شوند.

مادران شاغل با وجود همهٔ مشکلات موجود، برای مادرشدن اهمیت زیادی قائل‌اند و داشتن یک فرزند را لازمهٔ زندگی می‌دانند؛ چون با داشتن فرزند تجربهٔ منحصر به فردی را از نظر عاطفی و معنوی خواهند داشت که ارزش آن با هیچ‌چیز دیگر مقایسه‌کردنی نیست؛ ولی لزومی به داشتن تعداد بیشتری فرزند احساس نمی‌کنند. همچنین، اگرچه فرصت‌های شغلی به میزان لازم و با توجه به تحصیلات برای زنان حال حاضر جامعهٔ ایران فراهم نیست، امروزه دیگر آنها خود را منحصر به خانه و خانه‌داری نمی‌دانند و تمایل دارند هرچه بیشتر و مؤثرتر به عرصه‌های اجتماعی وارد شوند و تخصص و مهارت خود را بالفعل کنند. این تمایل متأخر در آنان، فرصتی برای خانه‌داری و فرزندآوری به سبک و سیاق مادران و مادر بزرگ‌هایشان باقی نمی‌گذارد و آنان در مسیر جدید به‌دنبال مدیریت ترکیب کار و بچه در زندگی‌شانند. هرچند در این فرایند زنان شاغل به‌دلیل وجودنداشتن حمایت اجتماعی و در نبود سیاست‌های خانواده‌محور با هزینه‌های فرصت و تعارض‌های کار و مادری روبه‌رو هستند.

است بستگی به ایده‌آل‌های ذهنی هر فرد دربارهٔ مادری و ارزش‌های آن دارد. براساس نتایج می‌توان گفت این ارزش مادری نیست که در طول زمان دستخوش تغییر شده است؛ بلکه آنچه تغییر کرده است معنا و مفهوم مادری امروز است که می‌طلبد آنها برای مادر خوب بودن در نقش‌های بیشتری در اجتماع ظاهر شوند. جالب‌توجه است که بیشتر مشارکت‌کنندگان معتقد بودند مادر شاغل می‌تواند مادر ایده‌آل باشد که این یعنی نگاهی مثبت به دو پدیدهٔ اشتغال و مادری در کنار هم است.

با این حال، زنان شاغل به‌دلیل محیط کار و شرایط شغلی، زیر فشار نقشی و نابرابری جنسیتی در محیط کار و خانواده قرار دارند و مادری هزینه‌هایی مانند زمان کمتر برای فرزند و فرصت‌هایی مانند تلاش برای رسیدن به مادر ایده‌آل و تکامل خصوصیات شخصی و بین‌فردی را برای این دسته از زنان به‌شدت افزایش داده است. به این دلایل و به موجب تغییرات ایده‌ای و فرهنگی رخ داده در جامعه، هرچند مادری با ارزش است، نقش و هویت مادری در ابعاد روحی، جسمی و اجتماعی آن دستخوش تغییر شده است.

نتایج پژوهش نشان می‌دهند مادری به‌منزلهٔ یکی از مهم‌ترین وظایف زنانه شناخته می‌شود و ارزش اجتماعی زنان را افزایش می‌دهد. جامعه با قدرت از هنجارهای اجتماعی تشویق‌کنندهٔ مادری حمایت می‌کند و سربازدن از آن می‌تواند تبعات بسیاری برای زنان به همراه داشته باشد. همان‌طور که هیون-جو^۱ (2012) معتقد است بی‌فرزندماندن برای زنان گزینهٔ آسانی نیست؛ چون فرزندآوری به‌منزلهٔ هنجار فرهنگی در نظر گرفته می‌شود. اگرچه فشارهای جامعه می‌تواند داشتن فرزند را تشویق کند، براساس یافته‌های مطالعهٔ ادین و کفالاس^۲ (2005) به‌دلیل انتظارات فراوان از زنان، هم در حوزهٔ مادری و هم در حوزهٔ نقش‌آفرینی در فعالیت‌های اجتماعی، زنان مایل‌اند به این فشار اجتماعی و نیاز عاطفی خویش با تعداد کمتری فرزند پاسخ دهند و از داشتن تعداد زیاد فرزند اجتناب کنند.

³ Gerson

⁴ Smith

¹ Hyun-Joo

² Edin & Kefalas

سرشماری ۱۳۹۵، گزارش پژوهشی، مرکز آمار ایران.

- Abbasi-Shavazi, M. J. McDonald, P. & Hosseini-Chavoshi, M. (2009) *The Fertility Transition in Iran*. London: Springer Press.
- Anderson, D. J. Melissa, B. & Krause, K. (2002) "The Motherhood Wage Penalty: Which Mothers Pay It and Why?" *American Economic Review*, 92: 354-358.
- Becker, G. S. (1960) "An Economic Analysis of Fertility." in *The Demographic and Economic Change in Developed Countries*. Columbia: Columbia University Press. 209-240.
- Clark, A. M. (2012) *A Phenomenology of the Meaning of Motherhood for African American and Hispanic Women Who Do Not Have Children in the United States*. Master's thesis. Department of Sociology, University of Nebraska. <https://digitalcommons.unl.edu/sociologydiss/17/>.
- Creswell, J. (1998) *Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing among Five Traditions*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Edin, K. & Kefalas, M. (2005) *Promises I Can Keep: Why Poor Women Put Motherhood Ahead of Marriage*. Berkeley, CA: University of California Press.
- Friedman, D. Hechter, M. & Kanasawa, S. (1994) "A Theory of the Value of Children." *Demography*, 31(3): 375-401.
- Gerson, K. (2009) "Changing Lives, Resistant Institutions: A New Generation Negotiates Gender, Work and Family Change." *Sociological Forum*, 24 (4): 735-753.
- Hindin, M. J. (2000) "Women's Autonomy, Women's Status and Fertility-Related Behavior in Zimbabwe." *Population Research and Policy Review*, 19: 255-282.
- Hyun-Joo, L. (2012) *The Intersection of Motherhood Identity with Culture and Class: A Qualitative Study of East Asian Mothers in England*. PhD Thesis. Department of Social and Policy Sciences, University of Bath. <http://opus.bath.ac.uk/32556/>.
- Ichou, C. (2006) "Sex Roles and Stereotyping: Experiences of Motherhood in South Africa." *Agenda: Empowering Women for Gender Equity*, 69: 101-109.
- Maher, J. & Saugeres, L. (2007) "To Be or Not to Be a Mother?" *Journal of Sociology*, 43 (1): 5-21.
- Mason, M. (2010) "Sample Size and Saturation in PhD Studies Using Qualitative Interviews." *Forum: Qualitative Social Research*, 11(3): 1-19.

بدین ترتیب، گذار به مادری برای زنان شاغل ممکن است روندی طبیعی و در عین حال چالش برانگیز باشد. اضافه شدن هویت مادری به هویت‌های زنانگی و کارمندی، فشارهای محیط شغلی و فشارهای فرهنگی مرتبط با مادر خوب بودن می‌تواند گذار به مادری را برای زنان شاغل با چالش‌های متعددی روبه‌رو کند. در مقابل، محیط اجتماعی و سیاستی مناسب با رویکرد دوستدار و حامی خانواده، شرایط شغلی و زندگی و حمایت‌های عاطفی خانوادگی (به‌ویژه از طرف همسر) می‌تواند نقش مهمی در طبیعی بودن گذار به مادری زنان شاغل ایفا کند.

منابع

- ابوت، پ. و والاس، ک. (۱۳۷۶). *درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی*، ترجمه: مریم خراسانی و حمید احمدی، تهران: دنیای مادر.
- اسحاقی، م؛ محبی، ف؛ پاپی‌نژاد، ش. و جهاندار، ز. (۱۳۹۳). «چالش‌های فرزندآوری زنان شاغل در یک مطالعه کیفی»، *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، د ۱۲، ش ۱، ص ۱۱۱-۱۳۴.
- احمدی‌فراز، م؛ عابدی، ح. و آذربیزین، م. (۱۳۹۳). «تیین تجارب زنان شاغل پیرامون نقش مادری: یک پژوهش کیفی پدیدارشناسی»، *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ش ۲، ص ۱۴۸-۱۳۷.
- حیدری، آ. و دهقانی، ح. (۱۳۹۵). «شناسایی کیفی پدیده تعارض خانواده - کار و چگونگی مدیریت آن در بین زنان معلم متأهل شهر دلووار»، *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، ش ۶۳، ص ۴۰-۱۵.
- عباسی‌شوازی، م. و علی‌مندگاری، م. (۱۳۸۹). «تأثیر ابعاد متفاوت استقلال زنان بر رفتار باروری آنها در ایران»، *پژوهش زنان*، د ۸، ش ۱، ص ۵۱-۳۱.
- عباسی‌شوازی، م؛ حسینی‌چاوشی، م. و بنی‌هاشمی، ف. (۱۳۹۶). *تحولات باروری در ایران براساس نتایج*

- McDonald, P. (1997) "Gender Equity, Social Institutions and The Future of Fertility." Working Papers in Demography 69, The Australian National University.
- McMahon, M. (1995) *Engendering Motherhood: Identity and Self-Transformation in Women's Lives*. New York: Guilford Press.
- McQuillan, J. A. L. Greil, K. Shreffler, M. & Bedrous, A. V. (2015) "The Importance of Motherhood and Fertility Intentions among U.S. Women." *Sociological Perspectives*, 58 (1): 20-35.
- Smith, J. A. (2007) "Identity Development During the Transition to Motherhood: An Interpretative Phenomenological Analysis." *Journal of Reproductive and Infant Psychology*, 17(3): 281-299.
- Van De Kaa, D. J. (2002) "The Idea of A Second Demographic Transition In Industrialized Countries, Paper Presented." At the Sixth Welfare Policy Seminar of the National Institute of Population and Social Security, Tokyo, Japan, 29 January.
- Vasyagina, N. & Kalimullin, A. (2015) "Retrospective Analysis of Social and Cultural Meanings of Motherhood in Russia." *Review of European Studies*, 17(5): 61-65.
- Wood, G. & Newton. J. (2006) "Childlessness and Women managers: Choice, Context and Discourses." *Gender Work and Organization*, 13: 338-358.

The Paradox of Work and Mothering: The Experience of Transition to Motherhood of Employed Women

Rasoul Sadeghi*

Associate Professor of Demography, University of Tehran, Iran

Zahra Shahabi

MA in Demography, University of Tehran, Iran

* Corresponding author, e-mail: rassadeghi@ut.ac.ir

Introduction

Mothering has always been one of the key roles of women in Iranian society. However in contemporary times, regarding changing attitudes and increasing social opportunities for women such as education and employment, motherhood is not only recognized as a definitive role for women, and they can choose alternative options. The transition to motherhood is a new and unique experience for employed women in the low fertility context. The fertility transition in Iran over the past few decades has been remarkably tangible. The total fertility rate (TFR) of seven children in the 1980s decreased to two children in 2000s. Thus, the purpose of this article was to explore the experiences of transition to motherhood in the context of work-mothering paradox. In this regard, two questions were raised: (1) what has changed the concept and status of mothering for employed women? And (2) what issues and problems are employed women faced to combine work and family life?

Material & Methods

The qualitative method was used in this study and the data were collected through deep interviews with 30 employed mothers aged at 20-40 years old in Tehran city, the capital of Iran. The average duration of the interviews was about an hour. Participants were chosen by snowball sampling procedure. In selecting the participants, efforts have been made to maximize the diversity of contributors, such as job categories and occupations. The average age of the percipients was 32 years old. The minimum work experience for respondents was 3 years and maximum 19 years, and participants in the study have an average of 9 years of work experience. 25 of them were fulltime and 5 of them part-time employees. Data analyzed using conventional content analysis method. Here, first, deep interviews were made in the form of text, and the text was converted into semantic summaries based on a meaningful unit (such as paragraph), and then the initial coding was done, followed by the initial coding of classification, the main sub-categories were identified.

Discussion of Results & Conclusions

The findings of the study indicated five sub-categories, namely, unique sense of mothering; mothering as a way of social acceptance and the release of infertility stigma; the meaning and value changes of motherhood during time; the paradoxical picture of the employed

woman as the ideal mother; and the paradox of work and mothering. And also, the results revealed that the meaning and concept of motherhood in the Iranian society have been changed and redefined according to the new social conditions and environments. Motherhood among employed women strongly affects their imagination and identity and emerge a new identity for them. The key component of this change is the encounter of employed women with multiple social roles. In this process, employed mothers in Iran face a paradox of work and mothering due to lack of family-friendly policies. In addition, the results showed the changing value of children and heightened emotional and social aspects of having children. In this context, childlessness is not good and easy option for employed women, because childbearing is considered as a social and cultural norms and values. In conclusion, the transition to motherhood among employed women can be as a natural or challenging process. Adding maternal identity to femininity and worker identities, job-related pressures, and cultural pressures associated with being a good mother can face many challenges for women during transition to motherhood. In contrast, suitable social and policy environments with a friendly and supportive approach to family life, work and life conditions and family affective support (especially from the spouse) can play a key role in the natural transition of motherhood for employed women.

Keywords: Women Employment, Value of Motherhood, Opportunity Cost, Work-Mothering Paradox, Family-Friendly Policies.

References

- Abbasi-Shavazi, M.J. P. McDonald, M. Hosseini-Chavoshi (2009) *The Fertility Transition in Iran*, Springer Press.
- Abbasi-Shavazi, M. J. and M. Alimandegari (2010) "The Effects of Different Dimensions of Women's Autonomy on their Fertility Behavior in Iran", *Women in Development and Politics Journal*, 8(1): 31-51.
- Abbasi-Shavazi, M.J, Hosseini-Chavoshi, M. and Banihashemi, F. (2017) *Fertility Changes based on 2016 Census*, Research Report, Statistical Center of Iran.
- Ahmadi Faraz, M. H. Abedi, and M. Azarbarzin (2014) "Explaining the Experiences of Working Women on the Role of the Mother: A Qualitative Phenomenological Study", *Qualitative Research in Health Sciences*, 3(2): 137-148.
- Anderson, D. J. Melissa, B. and Krause, K. (2002) "The Motherhood Wage Penalty: Which Mothers Pay It And Why?", *American Economic Review*, 92: 354-58.
- Becker, G. S. (1960) "An Economic Analysis of Fertility", Pp. 209 – 240, in *The National Bureau of Economic Research*, (Columbia University Press.
- Clark, A. (2012) A Phenomenology of the Meaning of Motherhood for African American and Hispanic Women Who Do Not Have Children in the United States, *MA thesis*, Department of Sociology, University of Nebraska.
- Creswell, J. (1998) *Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing among Five Traditions*, Thousand Oaks, CA: Sage.
- Eshaghi, M. Mohebi, F. Papinezhad, S. and Jahandar, Z. (2014) "The Childbearing Challenges of Working Women in a Qualitative Study", *Women in Development and Politics Journal* 12(1): 111-134.
- Edin, K. and Kefalas, M. (2005) *Promises I Can Keep: Why Poor Women Put Motherhood Ahead of Marriage*, Berkeley, CA: University of California Press.
- Friedman, D. Hechter, M. and Kanasawa, S. (1994) "A Theory of the Value of Children", *Demography* 31(3): 375- 401.
- Gerson, K. (2009) "Changing Lives, Resistant Institutions: A New Generation Negotiates Gender, Work, and Family Change", *Sociological Forum*, 24(4): 735-753.
- Hidari, A. and Dehghani, H. (2016) "Qualitative Identification of the Conflict of Family and Work Context and How to Manage it among Women Married Teachers of Delvar City", *Journal of Applied Sociology*, 63:15-40.
- Hindin, M.J. (2000) "Women's Autonomy, Women's Status and Fertility – Related Behavior in Zimbabwe", *Population Research and Policy Review*, 19:255-282.
- Hyun-Joo, L. (2012) The Intersection of Motherhood Identity with Culture and Class: a Qualitative Study of East Asian Mothers in England, *PhD Thesis*, Department of Social and Policy Sciences, University of Bath.
- Ichou, C. (2006) "Sex Roles and Stereotyping: Experiences of Motherhood in South Africa", *Agenda: Empowering Women for Gender Equity*, 69:101-109
- Mason, M. (2010) "Sample Size and Saturation in PhD Studies Using Qualitative Interviews", *Qualitative Social Research*, 11(3): 1-19.
- McDonald, P. (1997) "Gender Equity, Social Institutions and The Future Of Fertility", *Working Papers in Demography* 69, The Australian National University.
- McMahon, M. (1995) *Engendering Motherhood: Identity and Self-Transformation in Women's Lives*, New York: Guilford Press.
- McQuillan, J. A. Greil, K. Shreffler, and A. Bedrous (2015) *The Importance of Motherhood and Fertility Intentions U.S Women; Sociological Perspectives*, Sage Publication.
- Pamela, A. and Wallace, C. (2005) *An Introduction to Sociology: Feminist Perspectives*, Psychology Press.
- Smith, J.A. (2007) "Identity Development During the Transition to Motherhood: An Interpretative Phenomenological Analysis", *Journal of Reproductive and Infant Psychology*, 17(3): 281-299.
- Van de Kaa, D. J. (2002) The Idea of A Second Demographic Transition In Industrialized Countries, Paper Presented At the *Sixth Welfare Policy Seminar of the National Institute of population and Social Security*, Tokyo, Japan, 29 January.
- Vasyagina, N. and Kalimullin, A. (2015) "Retrospective Analysis of Social and Cultural Meanings of Motherhood in Russia", *Review of European Studies*, 17(5): 61-65.
- Wood, G. and Newton, J. (2006). "Childlessness and Women Managers: Choice, Context, and Discourses", *Gender Work and Organization* 13:338-58.